

[DOR: 20.1001.1.24237558.1400.6.1.10.3](https://doi.org/10.24237/558.1400.6.1.10.3)

## نقش توانمندسازی در تبیین توسعه پایدار

### (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)

لیلا نصرالهی وسطی<sup>۱</sup>

#### چکیده

توسعه پایدار جریانی پیچیده و چندبعدی بوده و دربرگیرنده عرصه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، به‌نحوی که این ابعاد با یکدیگر در تعامل و ارتباط متقابل هستند. عوامل متعددی در فراگرد توسعه پایدار نقش آفرینی کرده و قادرند جریان توسعه را تحت تأثیر قرار داده، دستیابی به آن را تسهیل و تسریع نمایند. اعتقاد بر این است که توانمندسازی جامعه از جمله محورهای اصلی توسعه پایدار به‌شمار می‌روند. از این‌رو، تحقیق حاضر درصدد ارزیابی و تحلیل اثرات توانمندسازی اعضاء جامعه بر تسهیل در دستیابی به توسعه پایدار است. این پژوهش از نظر استراتژی، مطالعه موردی، از نظر فلسفه، اثبات‌گرا و از نظر رویکرد، تبیینی (علت-معلولی) است. مدل عملیاتی پژوهش بر اساس مطالعات پیشین در داخل و خارج از کشور بنا شده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل همبستگی و مدل معادلات ساختاری، با به‌کارگیری نرم‌افزارهای SPSS و LISREL آزمون شد. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۷۸۵۳ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران است که در سال ۱۳۹۷ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند. به‌منظور گردآوری داده‌ها، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسی، از ۴۵۰ دانشجوی تحصیلات تکمیلی نظرسنجی به‌عمل آمد است. بر مبنای تجزیه و تحلیل مسیر انجام شده، مشخص شد که توانمندسازی اعضاء جامعه از منظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانشناختی در دستیابی به توسعه پایدار از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی نقش آفرینی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** توسعه پایدار، توانمندسازی، آموزش عالی، دانشگاه تهران.

## *The role of empowerment in explaining sustainable development*

*(Case study: Graduate students of Tehran University)*

L. Nasrollah Wasati<sup>1</sup>

### **Abstract**

Sustainable development is a complex and multidimensional process and includes environmental, economic, social and political areas, so that these dimensions interact with each other. Numerous factors map the process of sustainable development and are able to influence the flow of development, facilitate and accelerate its achievement. It is believed that community empowerment is one of the main axes of sustainable development. Therefore, the present study seeks to evaluate and analyze the effects of empowering community members on facilitating the achievement of sustainable development. This research is strategic in terms of case study, in terms of philosophy, positivist and in terms of approach, explanatory (cause-effect). . The operational model of the research is based on previous studies at home and abroad. Research data were collected through a questionnaire and tested using correlation analysis and structural equation modeling using SPSS and LISREL software. The statistical population of the study includes 17853 graduate students of the University of Tehran who were studying in this university in 1397. In order to collect data, 450 graduate students were surveyed by relative class sampling method. Based on the analysis of the path, it was found that empowering members of society from an economic, social, cultural, political and psychological perspective plays a role in achieving sustainable development in economic, social, political and environmental aspects.

**Keywords:** Sustainable Development, Empowerment, Higher Education, University of Tehran.

---

<sup>1</sup>. PhD in Economic Sociology and Development, University of Tabriz, Tabriz, Iran  
nasrolahi@tabrizu.ac.ir

## مقدمه

توسعه پایدار یکی از بزرگترین چالش‌های قرن ۲۱ و نیز ضرورتی آشکار برای بقای جوامع به‌شمار می‌رود. توسعه پایدار بر توانایی تأمین نیازهای فعلی بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان به خطر بیافتد، تأکید دارد. مسئله توسعه پایدار از جمله موضوعاتی به‌شمار می‌رود که مورد توجه غالب کارشناسان علوم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیط‌زیست قرار گرفته است. پرداختن به مسئله توسعه پایدار و الزامات آن مستلزم بینش میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای، آگاه، خلاق و مشارکت‌جو، دیدگاه کل‌نگر و تفکر سیستمی است. امروزه آموزش توسعه پایدار نیز دستخوش تکانه شدیدی شده است. در سطح بین‌المللی، تمایل و تعهد سیاسی شدیدی به یکپارچه‌سازی آموزش توسعه پایدار در تمامی سطوح آموزشی از جمله بخش آموزش عالی وجود دارد (کاگوا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۳۱۷). برای حفظ آینده، استراتژی توسعه پایدار دولت باید بر اهمیت مجهز کردن افراد به مهارت‌های لازم برای ایجاد یک جامعه پایدار متمرکز گردد که این به‌منزله آن است که باید «سواد در مورد توسعه پایدار»<sup>۲</sup> را به یک قابلیت محوری برای دانش‌آموختگان حرفه‌ای تبدیل کرد. بخش آموزش عالی از طریق کسب مهارت‌ها و دانشی که فرامی‌گیرد و به مرحله عمل درمی‌آورد، می‌تواند نقشی مهم برای دستیابی به پایداری در یک جامعه ایفا نماید. برخی از مهارت‌ها و دانشی که برای دستیابی به پایداری آموزش داده می‌شود

---

1. Kagawa  
2. sustainability literacy

عبارت‌اند از: ۱) برشمردن اهمیت زمینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در هر رشته، ۲) یک پایگاه دانش گسترده و متوازن در زمینه توسعه پایدار، اصول کلیدی آن و مرزهای مورد مناقشه و در حال گسترش آن، ۳) مهارت‌های حل مسئله به شیوه‌ای غیرتقلیل‌گرا<sup>۱</sup> برای مسائل و مشکلات بسیار پیچیده دنیای واقعی، ۴) توانایی تفکر خلاقانه و کل‌نگر و نقادی، ۵) توانایی شناسایی، درک، ارزیابی و پذیرش ارزش‌هایی که منجر به پایداری می‌شوند، ۶) توانایی پل زدن میان نظریه و عمل در توسعه پایدار، ۷) توانایی ایجاد تیم‌های بین‌رشته‌ای خلاق و ۸) توانایی آغاز کردن و مدیریت تغییر (کاگاوا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۳۱۸)؛ بنابراین، دانشجویان تحصیلات تکمیلی از شرایط مساعدتری در جامعه برای فراگیری مهارت‌ها و دانش موردنیاز برای تأمین الزامات توسعه پایدار برخوردارند. اصولاً توسعه پایدار توسعه‌ای انسان‌محور است که موجب بیشترین تغییرات مثبت در افراد جامعه می‌گردد. فراگیری این تغییرات در همه قشرهای اجتماعی و درگیر کردن تمامی افراد و گروه‌ها در فرآیند توسعه، از الزامات توسعه پایدار و وجه تمایز آن با تعاریف قبلی توسعه است. بی‌تردید مشارکت اعضای جامعه در فرآیند توسعه، درگرو توانمندسازی آنها است. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می‌شود. در این صورت اعضاء جامعه و به‌ویژه قشر تحصیل‌کرده باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آنها امکان انتخاب بر

1. Non-reductionist manner  
2. Kagawa

اساس خواسته‌های خود را بدهد. باین حال، نقش توانمندسازی اعضاء جامعه به‌ویژه دانشجویان در دستیابی به اهداف توسعه پایدار هنوز نامشخص است. گرچه برخی تحقیقات گذشته ارتباط میان توانمندسازی و توسعه پایدار را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما غالب آنها، ارتباط میان این دو مفهوم را تنها با تأکید بر برخی از مؤلفه‌های آنها بررسی کرده‌اند و تمامی مؤلفه‌های توسعه پایدار و توانمندسازی را به‌طور همزمان در اثرگذاری بر یکدیگر ارزیابی نکرده‌اند؛ بنابراین، پیشینه پژوهش از این حیث دارای نقصان و شکاف است و مطالعه حاضر تلاش دارد این شکاف را پر نماید. به‌طور کلی، سؤال اساسی پژوهش حاضر آن است که از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی، توانمندسازی چگونه می‌تواند در فرآیند توسعه پایدار کشور نقش آفرینی نماید؟

## مبانی نظری پژوهش

### توسعه پایدار

توسعه پایدار، توسعه‌ای است که به‌موجب آن، هر نسلی آب، هوا و منابع زمین را حفظ کند به‌گونه‌ای که در فرآیند توسعه جامعه، مصرف منابع طبیعی و زیست‌محیطی نسل کنونی، سبب کاهش امکان مصرف این منابع توسط نسل‌های آینده نشود. لذا در این نگاه، مفهوم فلسفی توسعه پایدار، مبتنی بر فلسفه عدالت بین نسلی در استفاده از محیط‌زیست است (فراهانی فرد، ۱۳۸۹: ۴۴). فلسفه توسعه پایدار آن است که حق انتخاب و ظرفیت دسترسی به رفاهی حداقل مانند رفاه نسل کنونی را برای نسل آینده

حفظ کند (جوزف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۴۴۱). دستور کار<sup>۲</sup> ۲۱ یک برنامه یا توافق الزام‌آور در خصوص نحوه دستیابی به توسعه پایدار به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است (لیماس-سانچز و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳: ۱۰۴۸). پارادایم توسعه پایدار که در دستور کار ۲۱ تشریح شده است، در حقیقت بر چهار پایه و ستون استوار است. این ستون‌ها عبارت‌اند از «پایداری اقتصادی<sup>۴</sup>»، «پایداری اجتماعی<sup>۵</sup>»، «پایداری سیاسی<sup>۶</sup>» و «پایداری زیست‌محیطی<sup>۷</sup>» (شاپفل<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴: ۲۷۱):

الف) پایداری اقتصادی: این نوع پایداری بر یک سیستم تولید تأکید می‌کند که سطوح مصرف فعلی را بدون به خطر انداختن نیازهای نسل آینده، تأمین می‌نماید. اقتصاددانانی که فرض می‌کنند عرضه منابع طبیعی نامحدود است، تأکید زیادی بر ظرفیت بازار برای تخصیص کارآمد منابع دارند. آنها معتقدند که رشد اقتصادی، ظرفیت فناورانه برای احیاء مجدد منابع طبیعی تخریب شده در فرآیند تولید به همراه خود می‌آورد. با این وجود، این درک حاصل شده که منابع لایتناهی نیستند. اندازه رو به رشد سیستم‌های اقتصادی، منابع طبیعی را دچار فرسایش کرده است. این امر سبب شد که بسیاری از صاحب‌نظران، توجه‌پذیری رشد کنترل نشده و مصرف فزاینده را

1. Joseph
2. Agenda 21
3. Liams-Sanchez et al.
4. Economic sustainability
5. Social sustainability
6. Political sustainability
7. Environmental sustainability
8. Schopfel

مورد تردید قرار دهند. یک سیستم اقتصادی که در پرتو نظریه پایداری اقتصادی طراحی شده است، الزاماتی در زمینه پایداری زیست محیطی را در خود جای می‌دهد. این سیستم به دنبال دستیابی به پایداری اقتصادی به بهای از دست دادن پایداری زیست محیطی نیست (باسیاگو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۱۵۱-۱۵۰).

ب) پایداری اجتماعی: این نوع پایداری بر سیستمی از سازمان اجتماعی تأکید دارد که سبب کاهش فقر در جامعه می‌گردد. به صورتی دقیق‌تر، پایداری اجتماعی، پیوندی میان شرایط اجتماعی (مثل فقر) و زوال محیط زیست برقرار می‌سازد. در نظریه توسعه، نوعی واگرایی نظرات و دیدگاه‌ها در مورد اینکه آیا پایداری زیست محیطی، پیش شرط رشد اقتصادی و کاهش فقر است یا اینکه آیا رشد اقتصادی و کاهش فقر قبل از پایداری زیست محیطی الزامی است، وجود دارد. برخی دیگر معتقدند که کشورهای بسیار فقیر باید به صورت موقتی، افول در محیط زیست را در راستای تأمین نیازهای غذایی جامعه بپذیرند و قبل از آنکه بتوانند بهسازی مستمر در حوزه اقتصادی و زیست محیطی را دنبال کنند، باید از آن حمایت نمایند. این دیدگاه بر این فرض استوار است که در کشورهای در حال توسعه نمی‌توان قبل از توسعه اقتصادی، انتظار حفاظت از محیط زیست را داشت. در مقابل این دیدگاه، نظریه پایداری اجتماعی مطرح می‌شود و بیان می‌دارد که کاهش فقر لزوماً نیازمند افول و تخریب منابع و محیط زیست نیست. بلکه هدف آن است که فقر از طریق منابع موجود در یک جامعه

---

1. Basiago

کاهش یابد (باسیاگو، ۱۹۹۹: ۱۵۲-۱۵۳).

ج) پایداری زیست‌محیطی: این نوع پایداری مستلزم حفظ سرمایه‌های طبیعی هم به‌عنوان یک تأمین‌کننده ورودی (که نهاده‌ها یا منابع نامیده می‌شود) و هم به‌عنوان یک جذب‌کننده (پسماندها) خروجی‌های اقتصاد (که زباله یا فضولات نامیده می‌شود) است. در محل منبع، نرخ برداشت از منابع باید در سطح نرخ بازتولید (احیاء) باشد. در محل پسماندها، انتشار زباله‌های ناشی از تولیدات صنعتی باید کنترل شود تا از ظرفیت محیط‌زیست برای تجزیه و جذب آنها فراتر نرود. در چنین فضایی می‌توان «توسعه پایدار» یا «پایداری» را برحسب «پایداری زیست» محیطی تعریف کرد. گودلند<sup>۱</sup> به همپوشانی میان پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و به‌ویژه ارتباط قوی میان پایداری اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی اشاره می‌کند (باسیاگو، ۱۹۹۹: ۱۵۵-۱۵۶).

د) پایداری سیاسی: این نوع پایداری، فرآیند نوسازی سیستم‌های سیاسی به‌منظور توسعه توانایی آنها برای رویارویی با تقاضاهای در حال تغییر است. نظم اجتماعی جدید با تقاضای جدید، ایده‌های جدید و شرایط جدید در پی نوسازی می‌آید و دولت‌ها باید قادر به تأمین این شرایط جدید باشند. درواقع، توسعه سیاسی به‌منزله ایجاد نهادهای سیاسی انطباق‌پذیر، پیچیده و خودمختاری (مستقلی) است که در پی جذب مشارکت گروه‌های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی درون یک جامعه هستند. برخی دیگر از محققان نیز بر فرآیندهای نوسازی و توسعه دولت‌ها با تمرکز بر

1. Goodland



بهبود رفتارهای سیاسی افراد به عنوان عاملی مهم در توسعه سیاسی تأکید دارند (پیرنژاد، ۲۰۱۱: ۱۸۷). توسعه پایدار سیاسی به معنای آن است که دولت در عین اینکه پاسخگوی علایق متفاوت در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود، وحدت را نیز محقق ساخته و حس تعلق و پیوند روحی و معنوی و مادی ریزسازه‌های جامعه را نسبت به کلیت ساختار ایجاد می‌کند (اخباری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

### توانمندسازی

توانمندسازی، سازه‌ای چندبعدی، چند سطحی و چند عنصری است که متشکل از رویکردهای عملی و کارکردها و فرآیندهای اقدام اجتماعی است چون با وجود سایر افراد رخ می‌دهد و در قالب پیامدهای فردی و جمعی قابل درک است. توانمندسازی در چارچوب‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی معانی متفاوتی می‌یابد (کاراسکو و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۳۳-۲۳۴). در معنایی وسیع، توانمندسازی عبارت است از آزادی انتخاب و عمل فرد و افزایش اقتدار و کنترل وی بر منابع و تصمیماتی است که زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توانمندسازی باعث گسترش دسترسی آنها و توانایی‌هایشان در مشارکت، مذاکره و کنترل اموری می‌شود که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توانمندسازی به شرایطی اشاره دارد که افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی خود کنترل و

سلطه می‌یابند تا سطح برابری و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند (پرزنیو و تیلور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۲۳۶). توانمندسازی تنها زمانی ممکن و پایدار خواهد بود که تغییراتی در سطوح مختلف رخ دهد: درون افراد (قابلیت، دانش و اعتماد به نفس)، در جوامع و نهادها (شامل هنجارها و رفتار)، در منابع و فرصت‌های اقتصادی موجود و در یک محیط سیاسی و قانونی وسیعتر (پرزنیو و تیلور، ۲۰۱۴: ۲۳۶). محققان و صاحب‌نظران به ابعاد توانمندسازی از زوایای مختلفی نگریسته‌اند و مؤلفه‌هایی همچون روانشناختی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را برای آن پیشنهاد کرده‌اند (آلبوکرک و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶: ۵). توانمندسازی اقتصادی فرآیندی از پایین به بالا است که طی آن فقرا با افزایش قابلیت‌های اقتصادی خود می‌توانند به نیازهای خود پاسخ داده و به حقوق و قدرت برابر دست یابند؛ بنابراین، توانمندسازی اقتصادی افراد، جوامع و حتی ملت‌ها به معنی ایجاد قابلیت‌های لازم برای کسب مسئولیت جمعی در فعالیت‌های اقتصادی به منظور دستیابی به یک زندگی بهتر و مدیر توسعه خود شده است (اصغری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۶). توانمندسازی اقتصادی به حق اعضاء جامعه برای داشتن مهارت‌های مناسب، قابلیت‌ها و منابع و دسترسی به زندگی و درآمد امن و پایدار اشاره دارد (سلیمان و محمد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷: ۴). بر مبنای معیارهای مختلفی همچون افزایش پس‌انداز یا بهبود مهارت‌ها، مطالعات نشان می‌دهد که داشتن مهارت‌ها و سواد مالی

1. Pereznieta and Taylor
2. Albuquerque et al.
3. Sulaiman and Muhamad

می‌تواند منجر به افزایش توانمندی اقتصادی برای گروه‌های آسیب‌پذیر به لحاظ اقتصادی گردد (هتلینگ و پستموس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۱۳۵). سخن از توانمندسازی اقتصادی پیرامون چهار حوزه گسترده است: ۱) افزایش دارایی‌های افراد فقیر، ۲) اشکال قابل-تغییر<sup>۲</sup> حمایت اجتماعی، ۳) مالیه خرد<sup>۳</sup> و ۴) آموزش مهارت‌ها (کاراسکو و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۳۵). توانمندسازی اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که یک جامعه دارای حس انسجام و یکپارچگی است. توانمندسازی اجتماعی افراد ضعیف به شدت تحت تأثیر دارایی‌های شخصی (مثل زمین، مسکن، پس‌اندازها) و قابلیت‌های مختلف بشری (مثل بهداشت و تحصیلات خوب)، اجتماعی (مثل تعلق اجتماعی، داشتن حس هویت، روابط رهبری) و روانشناختی (اعتماد به نفس، خودتکایی، توانایی تصویرسازی و امید داشتن به آینده‌ای بهتر) آنها قرار دارد (سلیمان و محمد، ۲۰۱۷: ۴). اگر فرهنگ تحت عنوان فرآیندی تعریف شود که از طریق آن یک گروه، شیوه‌های بودن و شناخته شدن خود<sup>۴</sup> را توسعه می‌دهد، توانمندسازی فرهنگی را می‌توان فرآیندهایی تعریف کرد که از طریق آنها یک گروه از افراد می‌توانند یک سیستم باور<sup>۵</sup> را در قابلیت‌های خود (یعنی توانایی‌شان برای دستیابی به آنها) توسعه دهند (فریمن و کوهن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱: ۵۸۷). در واقع، توانمندسازی فرهنگی در خصوص بازتعریف قوانین و هنجارها و

1. Hetling and Postmus
2. Transformative forms
3. Microfinance
4. Ways of being and knowing
5. Belief system
6. Freeman and Cohen

بازآفرینی امور فرهنگی و نمادین در جامعه است (سلیمان و محمد، ۲۰۱۷: ۴). توانمندسازی فرهنگی به‌ویژه برای گروه‌هایی حائز اهمیت است که در یک جامعه جمعیت اندکی دارند چون اگر به لحاظ فرهنگی احساس توانمندی نکنند، احساساتی همچون پستی، یاس و ناامیدی، عجز و لابه<sup>۱</sup> و طردشدگی در میان اعضا گروه ایجاد می‌گردد (فریمن و کوهن، ۲۰۰۱: ۵۸۷).

توانمندسازی سیاسی دارای نتایج مثبت چندجانبه و غیرسیاسی برای یک جامعه است (بایه، ۲۰۱۶: ۴۰). یکی از شاخص‌های مهم توانمندسازی سیاسی، آگاهی سیاسی است که به‌منزله دسترسی به اطلاعات در مورد خدمات و کالاها و نیز عملکرد مقامات و مسئولان عالی‌رتبه در فراهم آوردن این خدمات و کالاها اشاره دارد (بایوگن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵: ۱۳۹). توانمندسازی سیاسی مفهومی چندجانبه‌ای بوده و با ابعاد مختلفی همچون «حقوق، منابع و حق اظهار نظر (صدا)»<sup>۳</sup>، «منابع، ادراکات، روابط و قدرت»<sup>۴</sup>، یا «منابع، عاملیت و موفقیت‌ها»<sup>۵</sup> تعریف می‌شود. توانمندسازی سیاسی فرآیند افزایش ظرفیت افراد جامعه برای داشتن حق انتخاب بیشتر، عاملیت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه است (ساندستروم و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷: ۲).

- 
1. Entrapment
  2. Bayulgen
  3. Rights, resources, and voice
  4. Resources, perceptions, relationships, and power
  5. Resources, agency and achievements
  6. Sundstrom et al.

توانمندسازی روانشناختی تحت عنوان ادراک فرد از اینکه او بر محیط خود کنترل دارد و احساس می‌کند که میان ارزش‌های او و ارزش‌های جامعه همسانی وجود دارد، تعریف شده است. در تعریفی دیگر، توانمندسازی روانشناختی به‌عنوان حس درونی توانمندسازی<sup>۱</sup> تعریف می‌شود و به‌عنوان نتیجه فرآیندهای شناختی درون افراد رخ می‌دهد. توانمندسازی روانشناختی سازه‌ای با چهار بعد شامل معنی‌دار بودن<sup>۲</sup> (ارزش یک عمل برای فرد)، شایستگی<sup>۳</sup> (توانایی انجام یک عمل)، خودتعیینی<sup>۴</sup> (استقلال) و اثرگذاری<sup>۵</sup> (توانایی اثرگذاری بر پیامدها) است. «شایستگی» عبارت است از احساس فرد در مورد اینکه توانایی انجام فعالیت‌ها و امور خود را به شکلی مناسب دارد. «معنی‌دار بودن» عبارت است از حدی که افراد مراقب فعالیت‌ها و اعمال خود هستند. افراد می‌خواهند احساس کنند که آنچه انجام می‌دهند، با سیستم ارزش‌هایشان همسو می‌باشد (ابرین<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰: ۱۵). «خودتعیینی» حدی است که افراد دارای کنترل بر اقدامات خود هستند یا برای انجام فعالیت‌ها یا امور خود، آزاد بوده و حق انتخاب دارند. «اثرگذاری» حدی است که افراد احساس می‌کنند اثرات مهمی بر محیط پیرامون خود و اعضای جامعه دارند. افرادی که از نظر روانشناختی توانمند هستند، تصور می‌کنند که می‌توانند تغییر ایجاد نمایند و فعالیت‌های متفاوتی انجام دهند

1. Intrapersonal sense of empowerment
2. Meaning
3. Competence
4. Self-determination
5. Impact
6. O'Brien

(ابری، ۲۰۱۰: ۱۶). الایدو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) خاطر نشان می‌کند که دستیابی به توانمندسازی اقتصادی و یا اجتماعی بدون توانمندسازی روانشناختی غیرممکن است. هنگامی که افراد از نظر روانشناختی توانمند می‌شوند، در نگرش‌ها، شناخت و رفتار آنها تغییراتی رخ می‌دهد که به نوبه خود منجر به تغییرات مثبت در ارزش‌ها، افزایش اقدامات وطن دوستانه<sup>۲</sup>، افزایش اعتماد به نفس، خودکارآمدی، خودآگاهی<sup>۳</sup> و هویت روانشناختی<sup>۴</sup> بهتر می‌گردد و در نتیجه جامعه‌ای مملو از آرامش و در حال توسعه را رقم خواهد زد.

### ارتباط میان توانمندسازی و توسعه پایدار

توانمندسازی به فرآیند ایجاد قدرت یا به بیان دیگر، سرمایه‌گذاری جهت تقویت قدرت اعضاء جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانشناختی اشاره دارد. فقدان قدرت سبب می‌شود که کنشگران اجتماعی به سوی انفعالی بودن و در نتیجه به انحراف سوق یابند (متکالف<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱: ۱۳۵). به عنوان مثال، در حوزه اقتصادی، فقدان قدرت به منزله گرفتار بودن در فقر مادی می‌باشد که ریشه بسیاری از هنجارشکنی‌ها و آسیب‌های اجتماعی است. در حوزه سیاسی، فقدان قدرت به منزله فقر آگاهی می‌باشد به نحوی که اعضاء جامعه به شهروندان درجه چندم تبدیل شده و در نهایت به انفعال، حاشیه‌نشینی و دست‌آویز مطامع سیاسی ساین شدن

---

1. Oladipo  
2. Patriotic actions  
3. Self-consciousness  
4. Psychological well-being  
5. Metcalfe

می‌انجامد؛ و در حوزه فرهنگی، فقدان قدرت به‌منزله عدم داشتن آگاهی کافی از ارزش‌های فرهنگی مختلف در جامعه می‌باشد که نتیجه آن ایستایی فرهنگی، درجا زدن در حوزه ارزش‌های محوری و دست‌آویز شدن در جریان‌های تحول‌ستیزی است. لذا «فقدان قدرت و فقر» یک دور باطل را تشکیل می‌دهند که برای برون‌رفت از آن و نیل به توسعه، تنها راهکار، توانمندسازی اعضای جامعه است (الاهی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۳۳۴). می‌توان توانمندسازی را به‌عنوان یکی از اجزاء کلیدی پارادایم توسعه مفهوم‌سازی نمود. در بعد اقتصادی، توانمندسازی بر تلاش جهت فقرزدایی تأکید دارد، در بعد سیاسی، توانمندسازی به‌دنبال آزادسازی اعضای جامعه و خارج‌سازی آنها از سلطه صاحبان قدرت می‌باشد. در بعد اجتماعی توانمندسازی به‌منزله گسترش ارتباطات مدنی و تقویت سطح همبستگی در جامعه می‌باشد. در بعد فرهنگی نیز توانمندسازی در پی دستیابی به مکانیزمی جهت افزایش انتخاب‌های اعضای جامعه است؛ به‌عبارت‌دیگر، توانمندسازی به افزایش قدرت انتخاب کنشگران اجتماعی در حوزه‌های مختلف و تضمین حقوق ناظر بر این انتخاب اشاره دارد (باچر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۱۵۳). با نگاهی عملیاتی‌تر به بحث توانمندسازی، می‌توان اظهار داشت که توانمندسازی اقتصادی به مفهوم تقویت بخش خصوصی و بسط دادن حیطه فعالیت اقتصادی آن است که از طریق کاهش سطح مداخله دولت در امور اقتصادی و تنزل نقش دولت تنها منحصر به نظارت بر امور و واگذاری تمامی امور در حوزه‌های

---

1. Elahi et al.  
2. Butcher et al.

تولید، توزیع، بازاریابی و کارآفرینی به خود جامعه می‌باشد. توانمندسازی سیاسی به‌منزله فراهم آوردن بستر مشارکت سیاسی فعالانه و واقعی شهروندان در حوزه‌های مهم کنش سیاسی از قبیل داشتن حق شرکت در فعالیت‌های گروهی و حزبی، حق رأی، حق کاندیدای انتخابات شدن، حق مشارکت در فرآیند تدوین قوانین، داشتن حق نقد سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی دولت در تمامی زمینه‌های خارجی و داخلی و حذف موانع قانونی و غیرقانونی در این زمینه‌ها می‌باشد (باندالی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۳۴۳). تنها دولت‌های قانونمند و مدرنی که انتقادپذیر بوده، پاسخگوی جامعه و حامی دموکراسی می‌باشند، قادرند جامعه را به سوی اهداف توسعه پایدار هدایت کنند. توانمندسازی اجتماعی به‌منزله تقویت زمینه‌های اجتماعی جهت تقلیل تنش‌های قومی-نژادی، طبقاتی و مذهبی و در نتیجه افزایش سطح آگاهی‌هایی که منجر به ایجاد همبستگی اجتماعی می‌گردد، ارتقاء میزان آگاهی شهروندان از حقوقی همچون حق استفاده از بیمه بیکاری، حق برخورداری از امنیت اجتماعی، مزایا و خدمات بهداشت و درمانی و نیز حق برخورداری از آموزش می‌باشد. توانمندسازی فرهنگی نیز به‌منزله داشتن حق دسترسی به اطلاعات، داشتن حق انتخاب سبک زندگی، حق انتخاب ارزش‌ها و حق تقویت سرمایه فرهنگی و انعکاس آن در زندگی اجتماعی می‌باشد. برخی از صاحب‌نظران علل شکست الگوهای توسعه را تحلیل کرده و دریافته‌اند که بدون توانمندسازی اعضای جامعه و فراهم کردن شرایط مشارکت عمومی فعال، تحقق

---

1. Bandali et al.



اهداف توسعه و کسب موفقیت در فرآیند توسعه میسر نیست (رائو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۶-۷). محققان دریافته‌اند که یکی از دلایل عدم موفقیت الگوهای توسعه، عدم توانمندی اعضای جامعه و در نتیجه عدم مشارکت واقعی آنها در فرآیند توسعه می‌باشد (متکالف، ۲۰۱۱: ۱۳۷). در این راستا، در ژوئن ۱۹۹۲، کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط‌زیست و توسعه و اجلاس زمین برنامه اقدامی را جهت دستیابی به توسعه پایدار تدوین نمود که هدف آن، فقرزدایی با تأکید بر توانمندسازی اعضای جامعه و حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان عناصر زیربنایی یک استراتژی توسعه‌ای پایدار بود. این برنامه در «دستور کار ۲۱» برجسته شد به‌نحوی که توانمندسازی فقرا در راستای کسب توانایی تأمین معیشت پایدار برای خود و نیز تفویض اختیار به عموم، مورد تأکید قرار گرفت. در حقیقت، هدف توسعه پایدار خاتمه بخشیدن به پدیده فقر و فقدان قدرت در میان اعضای جامعه از طریق مکانیزم‌های توانمندسازی جامعه، حفظ محیط‌زیست و افزایش گزینه‌های ممکن برای انتخاب بشر می‌باشد که خود دلالت مستقیم بر توانمندسازی جامعه دارد (باچر و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۵۳).

### پیشینه تجربی پژوهش

عبداللہی (۱۳۸۴) به بررسی توانمندسازی روانشناختی نیروی انسانی در سازمانها

---

1. Rao et al.

پرداخت. محقق با نظرسنجی از ۲۲۰ کارشناس حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و به کمک مدل معادلات ساختاری نشان داد که سازه توانمندسازی روانشناختی کارکنان شامل پنج بعد مجزا از هم؛ یعنی شایستگی، خودمختاری، تأثیرگذاری، معنی‌دار بودن و اعتماد می‌شود. به علاوه، تفاوت‌های فرهنگی با ابعاد توانمندسازی روانشناختی رابطه داشت. حسینی و همکاران (۱۳۸۵) سعی کردند تا دستاوردهای عملی روش جلب مشارکت مردم (PRA) را با هدف توانمندسازی جامعه بهره‌بردار دریکی از زیر حوزه‌های سد گلستان را به بحث بگذارند. این پژوهش مبتنی بر کارگاه‌های مشورتی از جمله کارگاه‌های شناخت محیط، مشکل یابی و راه‌های تشکیل شکل روستایی بوده، دستاوردها و نکات قابل توجهی وجود داشته که از جمله آنها نحوه تنظیم شکل‌های محلی و بهترین روش‌های دستیابی به آن و نهایتاً نحوه مدیریت مالی در منطقه بود. تشکیل شکل با استفاده از روش PRA نشان داد که می‌توان مدیریت اقتصادی و اجتماعی روستا را بر پایه آگاهی و دانش محلی و برحسب شرایط اجتماعی حاکم بر منطقه تنظیم کرد. مؤمنی و امینی میلانی (۱۳۹۰) به دنبال بررسی وضعیت توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه ایران با تأکید بر مفهوم توانمندی و کیفیت زندگی (سن) بودند و همچنین برای دو برنامه سوم و چهارم توسعه مقدار آن محاسبه شده و اختلاف آن تا سطح مطلوب را تعیین کرده و سپس به شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه پایدار در شرایط فعلی کشور پرداختند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد توسعه پایدار با تأکید بر حفظ منافع همه نسل‌ها با سه محور اساسی توسعه

انسانی، مادی و طبیعی در دیدگاه سن با تأکید بر مفهوم توانمندی و آزادی‌های اساسی تبیین می‌شود. عقلمند و اکبری (۱۳۹۰) در پژوهشی مروری خاطرنشان کردند که توانمندسازی یک فرایند بوده و مانند سایر فرایندها نیاز به مدیریت دارد. برای این کار می‌بایستی کل سیستمهای اجتماعی دچار تغییر و تحول زیر بنایی در راستای اهداف توسعه شوند.

فریمن و کوهن<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای موردی دریافتند، دانشگاه‌های آمریکایی-آفریقایی و رهبران آنها باید با افزایش ظرفیت مؤسسات خود، منجر به توانمندسازی فرهنگی دانشجویان آمریکایی-آفریقایی و در نتیجه زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، شوند. مقدم و سنفتوا<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) به بررسی ابعاد توانمندسازی زنان از قیبل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با استفاده از داده‌های ثانویه یونسکو در خصوص کشورهای ایران، برزیل و جمهوری کنگو پرداختند. این محققان به کمک ۴۴ شاخص حاصل از مرور ادبیات توانمندسازی و نیز دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در یک کنفرانس بین‌المللی در زمینه زنان در سال ۲۰۰۵، دریافتند که نابرابری‌های جنسیتی، توانمندی زنان را محدود می‌سازد و چالش مشارکت و دستیابی به حقوق برابر را در پی دارد. کاگوا (۲۰۰۷) مطالعه‌ای را با هدف شناخت ادراکات و نگرش‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه پلیموت از توسعه پایدار و مفاهیم مربوط به آن به انجام رسانید. نتایج

---

1. Freeman and Cohen

2. Moghadam and Senftova

آزمون کای-اسکوئر نشان داد که: ۱) بخش عمده‌ای از دانشجویان تصور می‌کنند پایداری، چیز خوبی است ولی پاسخ‌های آنها ارتباطی با میزان آشنایی آنها با مفاهیم توسعه پایدار یا پایداری نداشت، ۲) دانشجویان قویاً مفاهیم توسعه پایدار و پایداری مثل جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی را با محیط‌زیست مرتبط می‌دانستند و ۳) دانشجویان احساسات مختلفی در خصوص آینده جامعه در رویارویی با چالش‌های مربوط به پایداری داشتند. مویزوکی و فادیوا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) توجه خود را به آموزش برای توسعه پایدار و بحث در مورد رویکردهای قابلیت محور و نیز بررسی کفایت یک مدل مبتنی بر قابلیت به عنوان ابزاری برای دستیابی به تحولات آموزش و اجتماعی در راستای توسعه پایدار معطوف کردند. محققان با مرور ادبیات مربوطه، ماهیت بسیار پیچیده قابلیت‌های موردنیاز برای توسعه پایدار و لزوم گنجاندن آنها در برنامه‌های آموزشی را تشریح کردند. های و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) مطالعه‌ای را با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر درک مفهوم، محتوی و شاخص‌های مختلف اثرگذار بر موضوعات بهداشت و زیست‌محیطی به انجام رسانیدند. با استفاده از داده‌های ۵۴۶ خانوار در چین و آزمون کای اسکوئر و تحلیل چند متغیره مشخص شد که دانش و اطلاعات در خصوص پایداری جوامع محلی، اندک است. شغل و درآمد نسبت به منطقه، سن، جنسیت و تحصیلات بیشتر می‌تواند بر درک مفهوم توسعه پایدار مؤثر باشد. خلیل و همکاران<sup>۳</sup>

---

1. Mochizuki and Fadeeva

2. Hai et al.

3. Khalil al.

(۲۰۱۳) به سنجش ادراکات دانشجویان از مفهوم توسعه پایدار پرداختند. محققان، ادراکات دانشجویان قبل و بعد از پیوستن به دانشگاه هلیوپولیس<sup>۱</sup> را تحلیل نمودند. داده‌ها از ۲۶ دانشجو و به صورت مصاحبه‌های عمقی گردآوری شد. تمامی دانشجویان تأیید کردند که علاقه‌مندند تا توسعه پایدار را در زندگی خود به کار بندند. جوزف<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «درک مفهوم توسعه پایدار در مالزی» را با هدف درک مفاهیم توسعه پایدار و پایداری میان کارکنان ادارات تایوانی به انجام رسانید. داده از طریق مصاحبه با ۲۳ مصاحبه شونده در ۱۶ سازمان منتخب در مالزی گردآوری و به کمک تحلیل متن، ارزیابی شد. مطابق با یافته‌ها، مفهوم توسعه پایدار از منظر سازمان-های محلی در مالزی بسیار گسترده است. پاسخ‌دهندگان بر اهمیت آموزش افراد در آگاهی بخشی در خصوص توسعه پایدار و درک مفهوم آن تأکید می‌کردند. بایه<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) مطالعه‌ای را با هدف آشکار نمودن نقش توانمندسازی زنان و دستیابی به برابری جنسیتی در توسعه پایدار به انجام رسانیدند. محققان از مرور ادبیات پژوهش و داده‌های ثانویه بهره بردند. نتایج نشان داد که نقش زنان در ابعاد مختلف توسعه پایدار در کشور اتیوپی کم‌رنگ است. استفاده از زنان به‌عنوان نیروی کار در توسعه اقتصادی این کشور در کمترین حد ممکن است.

## مدل مفهومی پژوهش

---

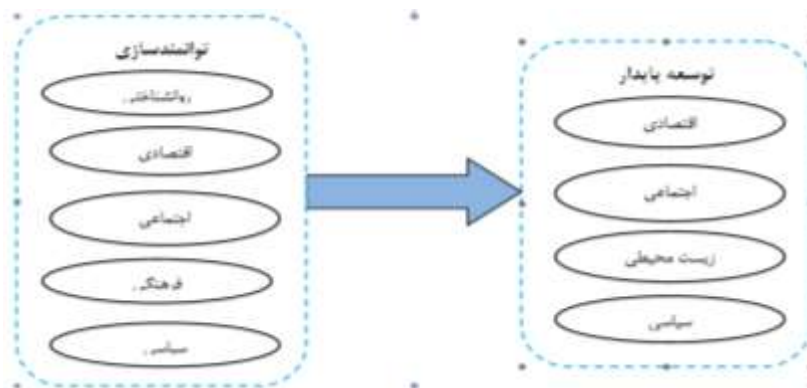
1. Heliopolis University  
2. Joseph  
3. Bayeh

در بحث توسعه، توانمندسازی به منزله لزوم اتخاذ رویکرد توسعه از پایین به بالا و پایدار می‌باشد. توانمندسازی را می‌توان از عناصر کلیدی پارادایم توسعه پایدار تلقی نمود. در سطح مفهومی، توانمندسازی به معنای افزایش قدرت انتخاب اعضای جامعه در حوزه‌های مختلف کنش اجتماعی است. در سطح عملیاتی، توانمندسازی به معنای فراهم آوردن حقوق اساسی در حوزه‌های روانشناختی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... برای اعضای جامعه می‌باشد. اعتقاد آمارتیاسن<sup>۱</sup>، توانمندی برای داشتن زندگی خوب را معیار توسعه قرار می‌دهد. به اعتقاد او، این توانمندی‌هاست که در فرآیند توسعه نقش محوری ایفا می‌نمایند و فرآیند توسعه به مفهوم گسترش توانمندی انسان در هدایت به سمت یک زندگی ارزشمندتر و آزادتر می‌باشد (سن، ۱۳۸۹: ۴۳۹). نتایج تحقیقات تجربی که توسط گوردون و ترامل (۲۰۱۶)، عقلمند و اکبری (۱۳۹۰) و حسینی و همکاران (۱۳۸۵) انجام شده نیز حاکی از آن بود که توانمندسازی جامعه راهبرد اساسی برای حرکت به سمت توسعه پایدار است. با توجه به پیوند نظری و تجربی بین مفاهیم توانمندسازی و توسعه، فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

**فرضیه پژوهش:** توانمندسازی اعضای جامعه از منظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانشناختی اثر قابل توجهی بر دستیابی به توسعه پایدار از جنبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی دارد.

---

1 Amartyasen



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

## روش‌شناسی

این پژوهش از منظر فلسفه از نوع اثبات‌گرا؛ از منظر رویکرد پژوهش، از نوع قیاس<sup>۱</sup>؛ از منظر استراتژی پژوهش، از نوع مطالعه موردی و از منظر روش، از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری برای بررسی روابط علت و معلولی میان متغیرها است. پژوهشگر از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده کرد. سؤالات پرسشنامه از نوع بسته و از طیف شش گزینه‌ای بود. این پرسشنامه در مجموع دربرگیرنده ۷۷ پرسش بود. اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ انجام گرفت. برای این منظور یک نمونه اولیه شامل ۵۰ پرسشنامه توزیع و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۶۹ می‌باشد، پایایی پرسشنامه در حد رضایت‌بخشی است. روایی

1. Deductive approach

محتوای پرسشنامه نیز توسط استاد راهنما، اساتید مشاور و دو نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران مورد بررسی قرار گرفت. پس از دریافت نظرات اساتید، اصلاحات نهایی انجام شد و جهت توزیع آماده گردید.

#### جدول ۱: مقیاس‌های در نظر گرفته شده برای اندازه‌گیری سازه‌های مدل پیشنهادی

سازه	بعد	تعداد سؤالات و مقیاس	منبع	آلفا
توسعه زیست‌محیطی	توسعه زیست‌محیطی	۱۰ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	بیاسوتی و فریت <sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، برنان و کاتگریو <sup>۲</sup> (۲۰۱۳)	۰/۷۷۱
	توسعه اقتصادی	۷ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	بیاسوتی و فریت (۲۰۱۶)، برنان و کاتگریو (۲۰۱۳)، کاگاو <sup>۳</sup> (۲۰۰۷)	۰/۷۸۵
	توسعه اجتماعی	۷ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	بیاسوتی و فریت (۲۰۱۶)، برنان و کاتگریو (۲۰۱۳)	۰/۷۳۵
	توسعه سیاسی	۵ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	نیمی و کلینگر <sup>۴</sup> (۲۰۱۲)	۰/۷۳۰
	توانمندسازی روانشناختی	۱۲ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	لی <sup>۵</sup> (۲۰۱۶)	۰/۷۲۰

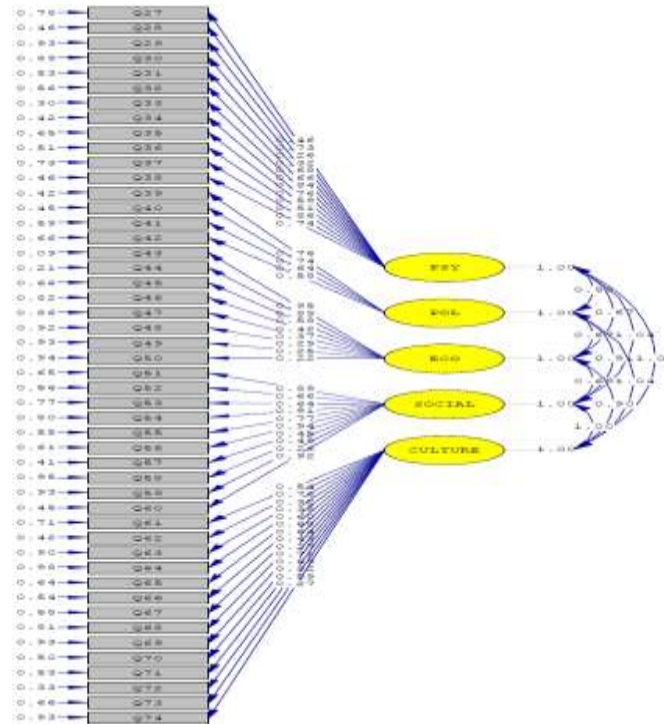
1. Biasutti and Frate
2. Brennan and Cotgrave
3. Kagawa
4. Niemi and Klingler
5. Li



۰/۶۹۶	چرای و جوزه <sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، هندی و کاسام <sup>۲</sup> (۲۰۰۶)	۴ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	توانمندسازی سیاسی
۰/۷۵۹	اکسیونیه و اکولو <sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، راتناما <sup>۴</sup> (۲۰۱۲)	۸ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	توانمندسازی اقتصادی
۰/۷۴۰	غفاری و همکاران (۱۳۸۸)	۱۴ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	توانمندسازی فرهنگی
۰/۸۶۷	راتناما (۲۰۱۲)	۱۰ سؤال لیکرتی ۶ نقطه‌ای	توانمندسازی اجتماعی

روایی سازه نیز از طریق تحلیل عاملی تاییدی ارزیابی شد که نتایج آن بیانگر مناسب بودن بارهای عاملی مربوط به شاخص‌های پرسشنامه بود. شکل زیر مدل اندازه‌گیری تحلیل عاملی تاییدی ابعاد متغیر توانمندسازی را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد. بارهای عاملی در حالت تخمین استاندارد، میزان تأثیر هر کدام از متغیرها یا گویه‌ها را در توضیح و تبیین واریانس نمرات متغیر یا عامل اصلی نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که برای اکثر شاخص‌های در نظر گرفته شده برای ابعاد متغیر توانمندسازی شامل توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی سیاسی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی فرهنگی و توانمندسازی اجتماعی، همبستگی‌ها بالای ۰/۳ می‌باشد.

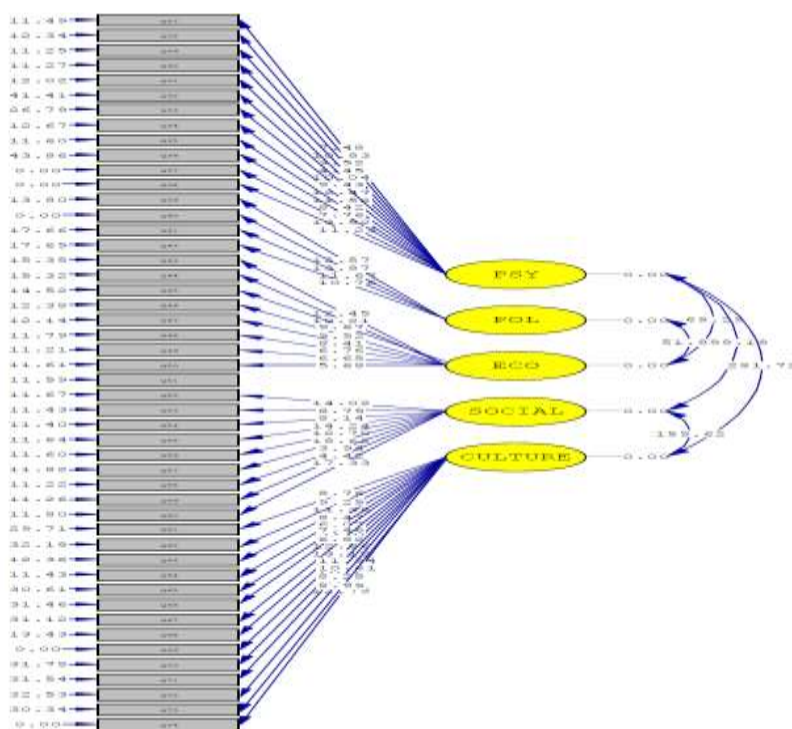
1. Cherayi and Jose  
 2. Handy and Kassam  
 3. Ekesionye and Okolo  
 4. Rathnamma



Chi-Square=3065.64, df=1070, P-value=0.00000, RMSEA=0.075

شکل ۲: مدل تخمین استاندارد مبتنی بر ضرایب همبستگی دوتایی برای متغیر توانمندسازی در شکل زیر ضرایب معناداری و پارامترهای مدل ارائه شده است. مبنای تائید یا رد شدن فرضیات (معناداری روابط)، بررسی مدل در حالت ضرایب معناداری است. در سطح خطای ۰/۰۵ و آزمون دو طرفه (پیش فرض نرمال)، مقادیر بحرانی اعداد ۱/۹۶ و ۱/۹۶- می‌باشند. چنانچه ضرایب معناداری بیشتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشند، روابط معنادار تائید می‌شود. مطابق با مقادیر حاصل در شکل زیر، تمامی ضرایب

به دست آمده معنادار شده‌اند چراکه تمامی اعداد معناداری کلیه پارامترهای مدل از عدد  $1/96$  بزرگ تر است.



Chi-Square=3065.64, df=1070, P-value=0.00000, RMSEA=0.075

شکل ۳: مدل اعداد معنی داری متغیر توانمندسازی

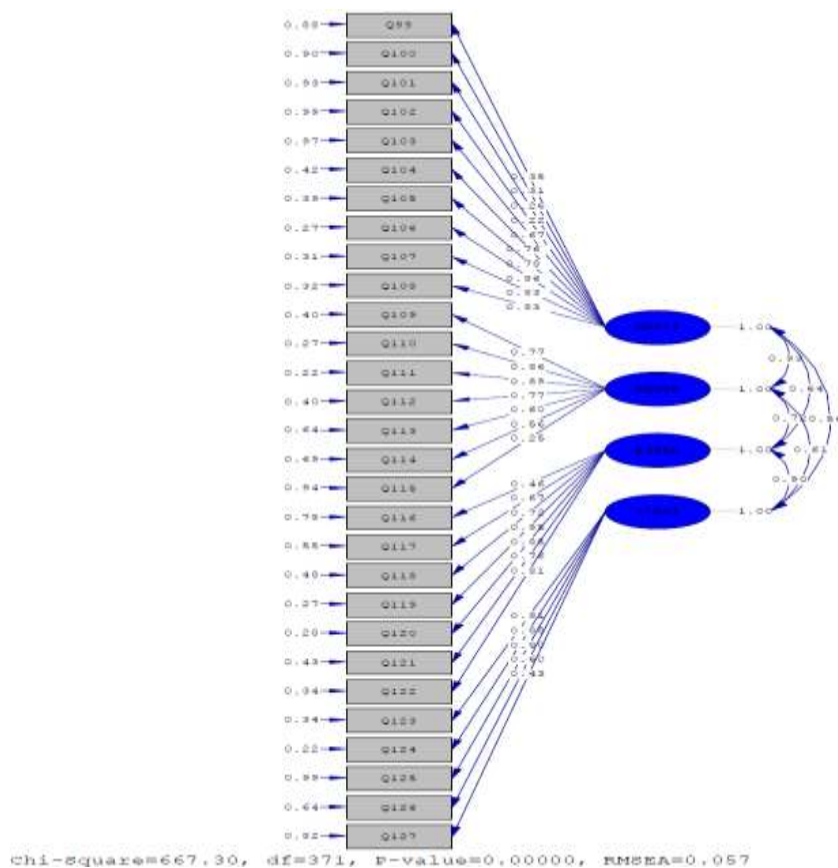
مدل اندازه گیری متغیر توانمندسازی از نظر شاخص های برازش نیز در وضعیت مناسبی قرار دارد. مقدار نسبت-کای دو (۳۰۶۵/۶۴) بر روی درجه آزادی (۱۰۷۰) کمتر (۲/۸۶) از مقدار مجاز ۳ بوده و قابل قبول می باشد. مقدار RMSEA مدل برابر با

۰/۰۷۵ و کوچکتر از ۱ می‌باشد. همچنین سایر شاخص‌های نیکویی برازش همچون CFI، NFI، GFI و... دارای مقادیری بزرگ‌تر از مقادیر قابل قبول و استاندارد می‌باشند.

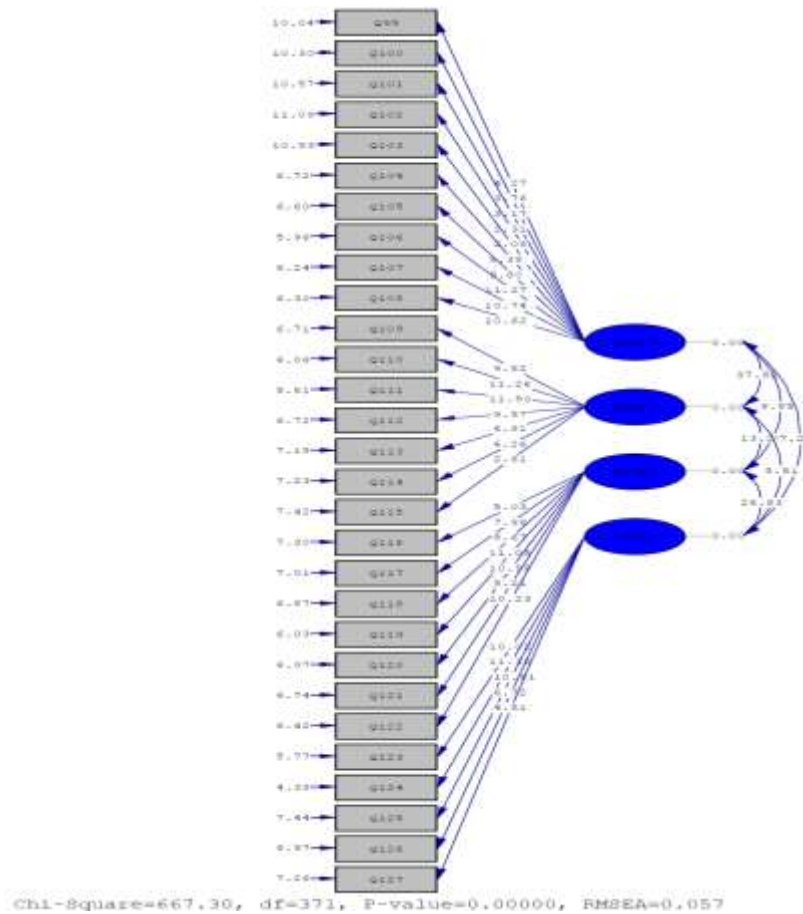
#### جدول ۲: شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی متغیر توانمندسازی

شاخص	مقدار استاندارد	مقدار برآورد شده
X <sup>2</sup> /df	کمتر از ۳	۲/۸۶
RMSEA	کمتر از ۱	۰/۰۷۵
AGFI	بیشتر از ۰/۸	۰/۸۱
GFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲
NFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۶
CFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۰
IFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳

شکل زیر مدل اندازه‌گیری تحلیل عاملی تاییدی ابعاد متغیر توسعه پایدار را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد. برای اکثر شاخص‌های در نظر گرفته شده برای ابعاد متغیر توسعه پایدار شامل توسعه زیست‌محیطی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه سیاسی، همبستگی‌ها بالای ۰/۳ می‌باشد.



شکل ۴: مدل تخمین استاندارد مبتنی بر ضرایب همبستگی دوتایی برای متغیر توسعه پایدار  
 شکل زیر نشان‌دهنده ضرایب معناداری و پارامترهای مدل تخمین استاندارد برای متغیر توسعه پایدار است. تمامی ضرایب به‌دست‌آمده معنادار شده‌اند؛ بدین ترتیب که تمامی اعداد معناداری کلیه پارامترهای مدل از عدد ۱/۹۶ بزرگ‌تر است.



شکل ۵: مدل اعداد معنی‌داری متغیر توسعه پایدار

مدل اندازه‌گیری متغیر توسعه پایدار از نظر شاخص‌های برازش نیز در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد. مقدار نسبت-کای دو (۶۶۷/۳۰) بر روی درجه آزادی (۳۷۱) بسیار کمتر (۱/۷۹) از مقدار مجاز ۳ بوده و قابل قبول می‌باشد. مقدار RMSEA مدل برابر با

۰.۰۵۷ و کوچکتر از ۱ است. همچنین سایر شاخص‌های نیکویی برازش همچون GFI, NFI, CFI و ... دارای مقادیری بزرگ‌تر از مقادیر قابل قبول و استاندارد می‌باشند.

### جدول ۳: شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی متغیر توسعه پایدار

شاخص	مقدار استاندارد	مقدار برآورد شده
X <sup>2</sup> /df	کمتر از ۳	۱/۷۹
RMSEA	کمتر از ۱	۰/۰۵۷
AGFI	بیشتر از ۰/۸	۰/۸۸
GFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۶
NFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۷
CFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳
IFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳

جامعه آماری در این تحقیق، شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران می‌باشد. این دانشجویان کسانی هستند که در دانشگاه تهران و در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی مشغول به تحصیل بوده‌اند. بر اساس گزارش معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران، در سال تحصیلی ۹۵-۹۶، ۱۷۸۵۳ نفر در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در حال تحصیل هستند. حجم نمونه به کمک فرمول کوکران و بر اساس واریانس نمونه اولیه ۵۰ تایی، برابر ۳۶۷ به دست آمد.

با این حال، به دلیل اینکه برخی از پرسشنامه‌ها معمولاً تکمیل نمی‌شود، محقق به دلیل به کمک روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی (یا متناسب با حجم)، از ۴۵۰ نفر نظرسنجی به عمل آورد. بدین ترتیب که با توجه به تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی هر دانشکده و نسبت بستن با تعداد نمونه موردنیاز و متناسب با دانشجویان هر دانشکده، نسبت به گردآوری پرسشنامه از هر کدام از دانشکده‌ها اقدام شد. پس از مراجعه به هر کدام از دانشکده‌ها و بر اساس سهمیه هر دانشکده، از دانشجویان موجود در دانشکده به‌طور تصادفی نمونه‌گیری به عمل آمد. پرسشنامه‌ها طی مدت ۲ ماه در ساعات مختلف شبانه‌روز (هشت صبح تا پنج بعدازظهر) در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از تحلیل همبستگی به کمک نرم‌افزار SPSS و مدلسازی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار LISREL بهره گرفته شد.

## یافته‌های پژوهش

### وضعیت عمومی پاسخگویان

در نمونه موردبررسی تعداد کل پاسخگویان ۴۵۰ نفر است که از این تعداد، ۷۱/۴ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۸/۶ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. به علاوه، ۵۸/۵ درصد از دانشجویان مرد و ۴۱/۵ درصد از آنها زن بودند. به علاوه، بیشتر پاسخگویان در دانشکده‌های فنی (۲۲/۲ درصد) و کشاورزی و منابع



طبیعی (۱۲ درصد) مشغول به تحصیل بودند. میانگین سنی نمونه مورد مطالعه ۳۰/۳۶ سال بود. میانگین ترم‌های گذرانده شده دانشجویان دکتری برابر ۶ ترم و دانشجویان کارشناسی ارشد ۴ ترم بود. ۷۲/۳ درصد دانشجویان مجرد و ۲۷/۷ درصد متأهل بودند. همچنین، بیشترین طبقه درآمدی بین ۲/۱ تا ۳ میلیون تومان (۲۷/۶) و بین ۱ تا ۲ میلیون تومان (۲۳/۳) بود. ۳۲/۲ دانشجویان در بخش خصوصی، ۱۸/۳ در مشاغل آزاد و ۴۰/۴ در سایر فعالیت‌ها اشتغال داشتند. بخش عمده‌ای از دانشجویان اظهار داشتند که پدر آنها کارمند بخش آموزش، فرهنگ و هنر (۲۸٪) و یا در مشاغل آزاد (۲۵/۶) فعالیت دارد. ۳۳/۱ درصد اظهار کردند که مادر آنها خانه‌دار و فاقد هرگونه شغلی است و بالاترین طبقه شغلی مربوط به مشاغل آزاد (۱۷/۵) بود. میانگین تعداد اعضای خانواده دانشجویان نیز برابر با ۳ نفر بود. همچنین میانگین وزن و قدر نمونه مورد مطالعه به ترتیب ۶۸/۳۸ کیلوگرم و ۱۶۱/۷۶ سانتی‌متر می‌باشد. ۱۹/۵ درصد (۸۸ نفر) دانشجویان بیان کردند که پدر آنها دارای تحصیلات مقطع راهنمایی است و بعد از آن تحصیلات مقطع لیسانس با ۱۸/۲ درصد و تحصیلات مقطع فوق‌دیپلم با ۱۷/۲ درصد قرار داشت. همچنین، ۲۵/۷ درصد عنوان کردند که مادر آنها دارای تحصیلات مقطع دیپلم است و بعد از آن تحصیلات مقطع فوق‌دیپلم با ۲۰/۲ درصد و تحصیلات مقطع راهنمایی با ۱۸/۴ درصد قرار داشت.

#### جدول ۴: ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد بررسی

متغیر جمعیت شناختی	درصد
--------------------	------

متغیر جمعیت شناختی	درصد
مقطع تحصیلی	۷۱/۴٪ کارشناسی ارشد و ۲۸/۶٪ دکتری
دانشکده	۲۲/۲٪ پردیس دانشکده‌های فنی، ۱۲٪ دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، ۳/۹٪ دانشکده مدیریت، ۷٪ دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶/۵٪ پردیس هنرهای زیبا، ۶/۱٪ پردیس علوم، ۵/۵٪ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۳/۹٪ دانشکده علوم و فنون نوین، ۳/۶٪ دانشکده محیط‌زیست، ۳/۲٪ دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، ۳/۱٪ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۳/۱٪ دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، ۲/۸٪ دانشکده جغرافیا، ۲/۹٪ دانشکده کارآفرینی، ۲/۸٪ دانشکده علوم اجتماعی، ۲/۴٪ دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱/۹٪ دانشکده اقتصاد، ۱٪ دانشکده دامپزشکی و ۰/۹٪ دانشکده معارف و اندیشه اسلامی
سن	میانگین سنی ۳۰/۳۶ سال
تعداد ترم‌های گذرانده	میانگین ترم‌های گذرانده شده دانشجویان کارشناسی ارشد ۴ و دکتری ۶ ترم
وضعیت تأهل	۷۲٪ مجرد و ۲۷/۷٪ متأهل
متوسط درآمد ماهیانه	۲۷/۶٪ بین ۲/۱ تا ۳ میلیون، ۲۳/۳٪ بین ۱ تا ۲ میلیون، ۱۹/۶٪ کمتر از ۱ میلیون، ۱۲/۰٪ بین ۳/۱ تا ۴ میلیون و ۴/۰٪ بین بیشتر از ۵ میلیون
وضعیت شغلی	۳۲٪ در بخش خصوصی، ۱۸/۳٪ در مشاغل آزاد، ۵/۳٪ در بخش دولتی، ۳/۸٪ بوریسیه و ۴۰/۴٪ سایر مشاغل
شغل پدر	۲۸٪ کارمند بخش آموزش، فرهنگ و هنر، ۲۵/۶٪ در سایر مشاغل آزاد و ۱۴٪ کارمند بخش خدمات، ۱۰/۴٪ کارمند بخش اداری و مالی، ۸٪ کارمند بخش امور اجتماعی، ۴/۷٪ کارمند بخش بهداشت و درمان، ۳/۸٪ کارمند

متغیر جمعیت شناختی	درصد
بخش صنعتی، ۲/۴٪ کارمند بخش کشاورزی و محیط‌زیست و ۲٪ کارمند بخش پردازش داده‌ها، ۱/۱٪ بیکار	
شغل مادر	۱۰٪ کارمند بخش آموزش، فرهنگ و هنر، ۱۷/۵٪ سایر مشاغل آزاد، ۳/۳٪ کارمند بخش خدمات، ۶/۹٪ کارمند بخش اداری و مالی، ۱۲/۷٪ کارمند بخش امور اجتماعی، ۱۰/۷٪ کارمند بخش بهداشت و درمان، ۲/۵٪ کارمند بخش صنعتی، ۱/۳٪ کارمند بخش کشاورزی و محیط‌زیست و ۲٪ کارمند بخش پردازش داده‌ها، ۳۳/۱٪ خانه‌دار
تعداد اعضاء خانواده	میانگین تعداد اعضاء خانواده ۳ نفر
وزن	میانگین وزن ۶۸/۳۸ کیلوگرم
قد	میانگین قد ۱۶۱/۷۶ سانتی‌متر
وضعیت تحصیلی پدر	۱۹/۵٪ راهنمایی، ۱۸/۲٪ لیسانس، ۱۷/۲٪ فوق‌دیپلم، ۲/۴٪ دکتری
وضعیت تحصیلی مادر	۲۵/۷٪ دیپلم، ۲۰/۲٪ فوق‌دیپلم، ۱۸/۴٪ راهنمایی، ۰/۸٪ دکتری

### یافته‌های استنباطی

مطابق با میانگین خام مربوط به ابعاد متغیر توانمندسازی، می‌توان مشاهده کرد که توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی فرهنگی بیشترین سهم را در میان سایر ابعاد متغیر توانمندسازی به خود اختصاص داده‌اند. در واقع، از نظر این ابعاد، دانشجویان احساس توانمندی بیشتری می‌کردند. بر اساس میانگین درصدی، توانمندسازی سیاسی و توانمندسازی اقتصادی از مقادیر بالاتری برخوردار بوده و مقادیر مربوطه بالاتر از

مقدار متوسط بود. انحراف معیار ابعاد متغیر توانمندسازی در دامنه ۰/۴۷ تا ۰/۹۳ قرار داشت، در نتیجه داده‌ها دارای پراکندگی نسبی بوده و از میانگین فاصله دارند. به علاوه، مقدار چولگی تمامی ابعاد مربوط به متغیر توانمندسازی در بازه (۲، -۲) واقع شده بود که به منزله نرمال بودن ابعاد از لحاظ کجی و متقارن بودن توزیع آنها است. در کل با توجه به اینکه میانگین درصدی متغیر توانمندسازی (۹/۲۷) بالاتر از مقدار متوسط می‌باشد، بر این اساس دانشجویان تحصیلات تکمیلی از توانمندی‌های مختلف مورد بررسی برخوردار بوده و به عبارتی خود را از نظر ابعاد پنج‌گانه، توانمند ارزیابی کردند.

جدول ۵: شاخص‌های توصیف داده برای ابعاد متغیر توانمندسازی

ابعاد	میانگین		انحراف چولگی		دامنه		مقدار میانگین
	خام	درصدی	معیار	حداقل	حداکثر	تغییرات متوسط کل	
توانمندسازی روانشناختی	۶/۱۹	۰/۴۷	۰/۷۲	۳/۴۲	۶/۰۰	۲/۵۸	۴/۷۱
توانمندسازی سیاسی	۱۸/۲۹	۰/۹۳	-۰/۲۸	۱/۷۵	۶/۰۰	۴/۲۵	۳/۸۸
توانمندسازی اقتصادی	۸/۲۹	۰/۶۷	۰/۵۹	۲/۶۳	۶/۰۰	۳/۳۸	۴/۳۲
توانمندسازی اجتماعی	۵/۷۱	۰/۵۵	-۰/۰۲	۳/۵۰	۶/۰۰	۲/۵۰	۴/۷۵
توانمندسازی فرهنگی	۷/۸۷	۰/۶۱	۰/۰۹	۳/۳۶	۶/۰۰	۲/۶۴	۴/۶۸

میانگین خام برآورد شده برای ابعاد متغیر توسعه پایدار نیز حاکی از آن بود که توسعه سیاسی و توسعه زیست‌محیطی بیشترین سهم در میان سایر ابعاد توسعه به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس میانگین درصدی برآوردی نیز، توسعه سیاسی و توسعه

اقتصادی از مقادیر بالاتری برخوردار بوده و این مقادیر بالاتر از مقدار متوسط بود. انحراف معیار ابعاد در دامنه ۰/۰۴۹ تا ۰/۷۸ قرار داشت، در نتیجه داده‌ها دارای پراکندگی نسبتاً پایینی بوده و از میانگین فاصله اندکی دارند. به علاوه، مقدار چولگی تمامی ابعاد مربوط به متغیر توسعه پایدار در بازه (۲/۲-) واقع شده بود که به منزله آن است که ابعاد از لحاظ کجی نرمال بوده و توزیع آنها متقارن می‌باشد. در کل با توجه به اینکه میانگین درصدی متغیر توسعه پایدار (۸/۸۷) بالاتر از مقدار متوسط می‌باشد، بر این اساس دانشجویان تحصیلات تکمیلی درک مناسبی از مفاهیم و فعالیت‌های مرتبط با توسعه پایدار داشتند و بر اهمیت آن برای آینده کشور تأکید می‌کردند.

جدول ۶: شاخص‌های توصیف داده برای ابعاد متغیر توسعه پایدار

متغیر	ابعاد	میانگین خام	میانگین درصدی	انحراف معیار	چولگی	حد اقل	حد اکثر	دامنه تغییرات	مقدار میانگین درصدی کل	میانگین
توسعه زیست محیطی	۳/۷۳	۶/۲۲	۰/۴۹	۰/۳۵	۲/۹۰	۴/۷۰	۱/۸۰	۳/۸۰	۸/۸۷	
توسعه اقتصادی	۳/۴۱	۸/۱۲	۰/۶۷	۰/۲۲	۲/۰۰	۵/۱۴	۳/۱۴	۳/۵۷	۳/۶۱	مقدار
توسعه اجتماعی	۳/۳۸	۸/۰۵	۰/۶۷	۰/۱۰	۲/۰۰	۴/۷۱	۲/۷۱	۳/۳۶	متوسط	
توسعه سیاسی	۳/۹۳	۱۳/۱۰	۰/۷۸	۰/۱۴	۲/۲۰	۵/۸۰	۳/۶۰	۴/۰۰	۳/۶۸	

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که در سطح معنی‌داری  $\text{sig} = ۰/۰۰۷$  و ضریب همبستگی (۰/۳۱۸) رابطه مثبت و مستقیمی بین توانمندسازی اعضای جامعه و

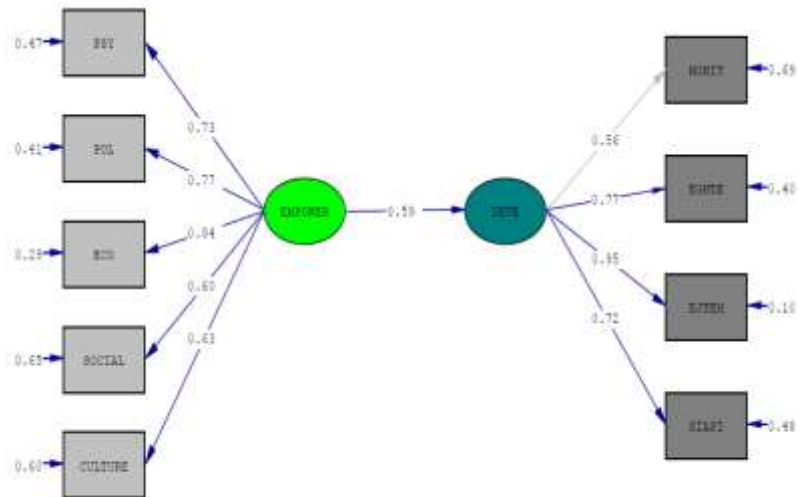
توسعه پایدار وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده نشان دهنده همبستگی متوسط و مستقیم می‌باشد. یعنی دانشجویانی که دارای نمره بالایی در مورد متغیر توانمندسازی بودند، دستیابی به توسعه پایدار را سهل‌الوصول‌تر ارزیابی می‌کردند. همبستگی هر یک از ابعاد متغیر توانمندسازی با توسعه پایدار در جدول زیر ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین تمامی ابعاد متغیرهای توانمندسازی و توسعه پایدار به صورت دوجه دو همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ( $P \leq 0.05$ ,  $P \leq 0.01$ ). بدین معنا که هرگونه افزایش و بهبود در یکی از ابعاد متغیر توانمندسازی جامعه منجر به با افزایش و بهبود در ابعاد متغیر توسعه پایدار می‌گردد. بیشترین میزان ارتباط بین توانمندسازی اجتماعی و توسعه اجتماعی به میزان ۰/۴۸۵ است و کمترین میزان ارتباط بین توانمندسازی اجتماعی و توسعه سیاسی به میزان ۰/۱۳۸ می‌باشد. در میان ابعاد متغیر توسعه پایدار، بعد توسعه اجتماعی (۰/۳۳۴) دارای قوی‌ترین همبستگی با متغیر توانمندسازی بود. همچنین، در بین ابعاد متغیر توانمندسازی، توانمندسازی سیاسی (۰/۲۹۱) دارای بالاترین همبستگی با متغیر توسعه پایدار بود.

#### جدول ۷: تحلیل همبستگی بین متغیرهای توانمندسازی و توسعه پایدار

ارتباط میان	توسعه		توسعه پایدار		
	توسعه زیست‌محیطی	توسعه اقتصادی	توسعه اجتماعی	توسعه سیاسی	
توانمندسازی روانشناختی	**۰/۲۴۱	**۰/۲۲۸	**۰/۳۹۷	**۰/۲۹۵	**۰/۲۱۹
توانمندسازی سیاسی	**۰/۲۹۹	**۰/۳۶۰	**۰/۲۱۷	**۰/۴۴۵	**۰/۲۹۱

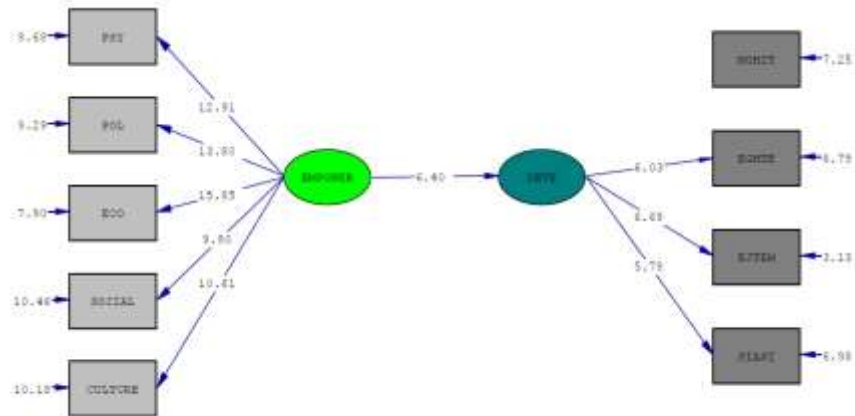
توانمندسازی اقتصادی	**۰/۲۳۰	**۰/۴۵۰	**۰/۲۷۳	*۰/۲۸۰	**۰/۲۷۱
توانمندسازی اجتماعی	**۰/۳۲۰	*۰/۲۱۱	**۰/۴۸۵	*۰/۱۳۸	**۰/۲۷۵
توانمندسازی فرهنگی	**۰/۲۲۳	*۰/۲۱۶	**۰/۳۷۸	*۰/۲۳۱	**۰/۲۱۷
توانمندسازی	**۰/۲۰۶	**۰/۲۳۰	**۰/۳۳۴	*۰/۱۷۳	**۰/۳۱۸

فرضیه پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری بررسی شد. خروجی این تحلیل در دو حالت استاندارد و معنی‌داری در شکل‌های زیر ارائه شده است. مدل تخمین استاندارد دربرگیرنده ضرایب رگرسیونی استاندارد ( $\beta$ ) و مدل در حالت معنی‌داری نشان‌دهنده مقادیر آماره  $t$  می‌باشد که مبنای تأیید و رد فرضیه‌های پژوهش خواهد بود. بارهای عاملی در حالت تخمین استاندارد، میزان تأثیر هر کدام از متغیرها یا گویه‌ها را در توضیح و تبیین واریانس نمرات متغیر یا عامل اصلی نشان می‌دهد. با توجه به ضرایب می‌توان مشاهده کرد که در بین ابعاد متغیر توانمندسازی، بعد توانمندسازی اقتصادی (۰/۸۴) و در بین ابعاد متغیر توسعه پایدار، بعد توسعه اقتصادی (۰/۹۵) از بیشترین مقدار همبستگی و قابلیت تبیین‌کنندگی در بین سایر ابعاد مربوط به متغیرهای پنهان مربوطه برخوردارند. به اعتقاد هر و همکاران (۲۰۰۹) چنانچه آماره  $t$  در بازه ۱/۹۶ و ۱/۹۶- قرار بگیرد، فرضیه رد و چنانچه این آماره خارج از بازه مذکور باشد به معنی تأیید فرضیه پژوهش می‌باشد. در شکل‌های زیر ملاحظه می‌شود، ضرایب رگرسیونی استاندارد و نیز اعداد معنی‌داری بر روی مسیرهای موجود میان پژوهش نشان داده شده‌اند.



Chi-Square=77.25, df=26, P-value=0.00000, RMSEA=0.030

شکل ۶: مدل تخمین استاندارد تحلیل مسیر برای مدل پژوهش



Chi-Square=77.25, df=26, P-value=0.00000, RMSEA=0.030



**شکل ۷: مدل اعداد معناداری تحلیل مسیر برای مدل پژوهش**

به منظور ارزیابی مدل مفهومی پژوهش، سؤالی که باید پاسخ داده شود این است مدل تدوین شده بر اساس پیشینه نظری و تجربی پژوهش تا چه حد با داده‌های گردآوری شده سازگاری دارد. این سؤال در قالب برازش مدل مطرح می‌گردد. در راستای پاسخگویی به این سؤال، از شاخص‌های نیکویی برازش استفاده می‌شود. هرچه مقدار شاخص‌های مذکور از حد استاندارد تعیین شده برای آنها بزرگ‌تر باشد به معنی آن است که مدل از برازندگی بالاتری برخوردار دارد و داده‌ها آن را پشتیبانی می‌کنند. محققان سه نوع شاخص برازش مدل را مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از مطلق<sup>۱</sup>، تطبیقی<sup>۲</sup> و مقتصد<sup>۳</sup>. شاخص‌های برازش مطلق این سؤال را پاسخ می‌دهند که آیا واریانس خطا یا تبیین نشده که پس از برازش مدل باقی می‌ماند قابل ملاحظه است یا خیر. شاخص‌های برازش تطبیقی نشان می‌دهند که مدل تدوین شده تا چه اندازه توانسته است از یک مدل استقلال فاصله بگیرد. شاخص‌های برازش مقتصد به این سؤال پاسخ می‌دهند که آیا با از دست دادن یک درجه آزادی به ازای آزاد گذاردن یک پارامتر برای برآورد، بهبودی در شاخص‌های برازش مطلق رخ می‌دهد؟ به منظور بررسی برازش مدل تدوین شده در نظر گرفتن ترکیبی از شاخص‌های سه گانه ضروری است. جدول زیر تمامی شاخص‌های برازش محاسبه شده برای مدل مفهومی

- 
1. Absolut
  2. Comparative
  3. Parsimonious

پژوهش را به همراه مقادیر قابل قبول برای آنها نشان می‌دهد. در مجموع، بر اساس تمام شاخص‌های مذکور که در برازش مدل مد نظر قرار گرفت، می‌توان بیان داشت که مدل پژوهش حاضر از برازش مطلوب و خوبی برخوردار می‌باشد.

#### جدول ۸: شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری پژوهش

نوع شاخص	عنوان شاخص	مقدار استاندارد	مقدار برآورد شده	نتیجه ارزیابی
برازش مطلق	$\chi^2$	مقادیر کوچک	۷۷/۲۵	مطلوب
	GFI	مقادیر بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲	مطلوب
	RMR	مقادیر کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۲۲	مطلوب
	TLI	مقادیر بیشتر از ۰/۹	۰/۹۰	مطلوب
	NFI	مقادیر بیشتر از ۰/۹	۰/۹۸	مطلوب
برازش تطبیقی	CFI	مقادیر بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳	مطلوب
	IFI	مقادیر بیشتر از ۰/۹	۰/۹۵	مطلوب
	RFI	مقادیر بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳	مطلوب
	$\chi^2/df$	مقادیر بین ۱ تا ۳	۲/۹۷	مطلوب
	RMSEA	مقادیر کمتر از ۱	۰/۰۳۰	مطلوب
برازش مقتصد	PNFI	مقادیر بیشتر از ۰/۵	۰/۶۸	مطلوب
	PGFI	مقادیر بیشتر از ۰/۵	۰/۷۲	مطلوب

نتایج مربوط به تحلیل مسیر برای رد یا تأیید فرضیه پژوهش در جدول زیر آمده است و همانگونه که ملاحظه می‌شود، فرضیه پیشنهادی مورد تأیید قرار گرفته است. مشخص شد که توانمندسازی اعضای جامعه اثر قابل توجهی بر دستیابی به توسعه پایدار دارد (اثر ۰/۵۹ و عدد معناداری ۶/۴۰). این فرضیه نشان می‌دهد به ازای یک واحد افزایش در توانمندسازی اعضای جامعه می‌توان شاهد ۰/۵۹ واحد بهبود در توسعه پایدار بود که اثر متوسطی می‌باشد (اثری بین ۰/۳ تا ۰/۶).

#### جدول ۹: خلاصه نتایج آزمون فرضیه پژوهش

شرح	مقدار تخمین استاندارد	عدد معناداری مشاهده شده	مقدار بحرانی	نتیجه
توانمندسازی اعضای جامعه اثر قابل توجهی بر دستیابی به توسعه پایدار دایرد	۰/۵۹	۶/۴۰	۱/۹۶	تأیید

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف این پژوهش، بررسی نقش توانمندسازی اعضای جامعه در فرآیند دستیابی به توسعه پایدار در کشور بوده است. نتایج نشان داد که بین ابعاد توانمندسازی و توسعه پایدار ارتباط مستقیم و مثبتی وجود دارد. بدان معنا که هر چه اعضای جامعه توانمندتر شوند (به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های لازم و اساسی)، می‌توان انتظار داشت که دستیابی به توسعه پایدار تسهیل و تسریع گردد. محققانی از قبیل گوردون و ترامل (۲۰۱۶)، عقلمند و اکبری (۱۳۹۰) و حسینی و همکاران (۱۳۸۵) نیز به نتایج مشابهی

دست یافته‌اند. تحقیقات قبلی حاکی از آن بود که توانمندسازی جامعه راهبرد اساسی برای حرکت به سمت توسعه پایدار است. در بعد توانمندسازی روانشناختی، چنانچه اعضاء جامعه احساس عزت، کرامت و معنی‌دار بودن نمایند، در موقعیت‌های مختلف، قدرت کنترل بیشتری داشته باشند و احساس خوداثربخشی در آنها نهادینه شده باشد، آنگاه از انگیزه بالاتری برای پیگیری و تلاش جهت تحقق اهداف توسعه پایدار برخوردار خواهند بود. در بعد توانمندسازی اجتماعی، هر چه اعضاء جامعه به لحاظ اجتماعی توانمندتر شوند، شاهد حضور اجتماعی بیشتر، مشارکت گسترده‌تر در زندگی همگانی و توسعه قلمرو ارتباطات با انجمن‌ها و جنبش‌های اجتماعی و غیره می‌باشیم که به مفهوم افزایش سطح مشارکت اجتماعی است و محرکی برای مشارکت بیشتر اعضاء جامعه در تصمیم‌گیری‌هایی به‌شمار می‌رود که بر فعالیت‌های آنها مؤثر است که در نهایت، فضایی برای ایده‌آفرینی و پیاده‌سازی آن در جامعه شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی فرصت مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی کشور افزایش می‌یابد و دستیابی به توسعه اجتماعی-سیاسی تسهیل می‌گردد. هر چه جامعه به لحاظ اقتصادی توانمندتر گردد، الزامات دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار سریع‌تر مهیا می‌گردد. انتظار بر این است که یک جامعه توانمند از نظر اقتصادی، از قابلیت کسب یا افزایش درآمد، قدرت پس‌انداز بیشتر و توانایی بالاتر برای بازپرداخت وام برخوردار باشد. در بعد سیاسی، یک جامعه توانمند از نظر سیاسی، رویکرد مدیریت مشارکتی از پایین به بالا را به خدمت می‌گیرد به‌نحوی که تمامی طبقات و گروه‌های مختلف جامعه

قادرند در تصمیم‌گیری‌هایی که در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌هایی با هدف همیاری در توسعه سیاسی کشور است، مشارکت فعال داشته باشند. در جامعه‌ای که افراد، احزاب و گروه‌ها، قادر به مشارکت قانون‌مند در فضای سیاسی جامعه (مثل انتخابات، نقد سیاستمداران و ...) هستند، زمینه نهادی کردن تشکلهای و مشارکت سیاسی آنها فراهم شده و توسعه سیاسی مسیر می‌گردد. سرانجام، در رابطه با بعد فرهنگی توانمندسازی باید اظهار داشت چنانچه اعضاء یک جامعه از نظر فرهنگی توانمند شوند، آنگاه ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در آن جامعه حفظ یا توسعه می‌یابند. به‌عنوان مثال، می‌توان به نقش توانمندسازی فرهنگی در دستیابی به اهداف توسعه زیست‌محیطی اشاره کرد. در این زمینه، استفاده از ابزارهای فرهنگی برای تغییر یا بهبود در دانش، ارزش‌ها، رفتار و بطور کلی شیوه زندگی مردم برای سازگار شدن به الزامات زیست‌محیطی اجتناب‌ناپذیر است. تغییر نگرش و رفتار جامعه در رابطه با ارزش و اهمیت محیط‌زیست امری ضروری است.

بر اساس این یافته می‌توان پیشنهاداتی ارائه داد. مسئله توانمندسازی جامعه، قلمروی وسیعی از موضوعات روانشناختی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در برمی‌گیرد و صرفاً به بحث اشتغال و درآمد عادلانه محدود نمی‌گردد. در این میان، دولت، از نقش و جایگاه ویژه‌ای در دستیابی به اهداف توسعه با رویکرد توانمندسازی برخوردار است. در این راستا، مولفه‌هایی همچون آموزش عمومی در رابطه با مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهت مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌ها؛ تسهیل-

گری و ارائه رهنمودهای عمومی و جهت دادن به تلاش های اعضای جامعه برای حل مشکلات موجود، تأکید بر حمایت از مردم در اجرای طرح های توسعه‌ای و ایجاد اعتماد به نفس در مردم، ایجاد زمینه بروز استعداد های اعضای جامعه از طریق فراهم آوردن امکانات و منابع، راه‌های مفید برای مشارکت و فرصت‌های جدید برای آنها و التزام به برقراری عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه درآمد و امکانات کلیدی می‌باشند. دادن اختیار تصمیم سازی نهایی در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) به مردم منجر به توانمندسازی آنها شده و اجرای آن دسته از تصمیمات اتخاذ شده توسط مردم، می‌تواند جامعه در را در مسیر توسعه پایدار قرار دهد. دولت باید با مردم در تمامی ابعاد تصمیم گیری شامل تکوین آلترناتیوها و تعیین راه‌حل‌های منتخب، شریک بوده و در حد ممکن ابداعات و دیدگاه‌ها و پیشنهاد های مردم در تدوین راه‌حل‌ها را لحاظ نماید. بدیهی است گرفتن بازخورد از مردم در زمینه آلترناتیوها و یا تصمیمات از طریق رسانه‌های فناوری محور (که جنبه تعاملی دارند) و گوش کردن به دغدغه‌ها و خواسته های مردم، به تسهیل و تسریع این فرآیند کمک می‌کند. موارد ذکر شده در مورد پیوند میان تمامی ابعاد توانمندسازی و توسعه پایدار مصداق و عمومیت دارد. باین حال می‌توان به صورت موردی نیز راهکارهایی را ارائه داد. به‌عنوان مثال، جهت نیل به توسعه زیست محیطی می‌توان از راهکارهایی از قبیل حمایت از نهادهای غیردولتی زیست محیطی، استفاده از رسانه‌های فناوری محور جهت ارائه آموزش‌های عمومی در تمامی گروه‌های سنی، تشویق مردم به حفاظت از

محیط‌زیست از طریق رسانه‌های فناوری محور و ایجاد فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست جهت توانمندسازی فرهنگی جامعه بهره برد.

## منابع

- اخباری، محمد. غم پرور، احمد؛ بزله، احمد (۱۳۹۴)، تبیین توسعه پایدار سیاسی: مطالعه موردی ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۱۱، شماره ۳، صفحات ۳۳-۵۸.
- اصغری، صادق، شهرکی، عیسی؛ و نادریان، مهدی (۱۳۹۵)، موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی مورد: مددجویان تحت پوشش کمیته امداد در سیستان، *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ۵، شماره ۱، صفحات ۱۰۳-۱۲۴.
- حسینی، عزت اله؛ راستین، محمد؛ جلالی، علی اصغر (۱۳۸۵)، توانمندسازی جامعه بهره‌بردار بعنوان زمینه تحقق توسعه پایدار (مطالعه موردی منطقه جنگلی کالپوش حوزه ابریز سد گلستان)، *همایش منابع طبیعی و توسعه پایدار در عرصه‌های جنوبی دریای خزر*.
- سن، آمارتیاکومار (۱۳۸۵)، *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نی.
- عبداللهی، بیژن (۱۳۸۴)، توانمندسازی روانشناختی کارکنان: ابعاد و اعتبار سنجی براساس مدل معادلات ساختاری، *پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۱، شماره ۱-۲، صص ۳۷-۶۴.
- عقلمند، سیامک؛ اکبری، فیض الله (۱۳۹۰)، توانمندسازی: راهی برای توسعه پایدار، *پنجمین همایش مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن*، تهران.



- غفاری، غلامرضا؛ دارابی، حسین؛ جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸)، مروری بر شاخص‌های توانمندسازی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار، *دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره امور بانوان شهرداری تهران*، تیرماه ۱۳۸۸، صص ۳۱۹-۳۴۰.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۹)، مبانی کلامی توسعه پایدار، *فلسفه دین*، سال هفتم، شماره پنجم، صص ۴۱-۶۲.
- مؤمنی، فرشاد؛ امینی میلانی، مینو (۱۳۹۰)، توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم توسعه ایران با رویکرد آمارتیا سن، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۳۷-۶۴.
- Albuquerque, C. P., Santos, C. C. and Almeida, H. (2016), Assessing 'empowerment' as social development: goal and process, *European Journal of Social Work*, DOI: 10.1080/13691457.2016.1186008.
- Bandali, A. (2014), Feminism, empowerment and development: changing women's lives, *Australian Femenism Studies*, Vol. 29 No. 81, pp. 342-344.
- Basiago, A. D. (1999), Economic, social, and environmental sustainability in development theory and urban planning practice, *The Environmentalist*, Vol. 19, pp. 145-161.
- Bayeh, E. (2016), The role of empowering women and achieving gender equality to the sustainable development of Ethiopia, *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, Vol. 2, pp. 37-42.
- Bayulgen, O. (2015), Microcredit and political empowerment in

Azerbaijan and Kazakhstan, *International Journal of Development Issues*, Vol. 14, No. 2, pp. 130-148.

- Biasutti, M. and Frate, S. (2016), A validity and reliability study of the Attitudes toward Sustainable Development scale, *Environmental Education Research*, DOI: 10.1080/13504622.2016.1146660
- Brennan, M. and Cotgrave, A. (2013), Development of a measure to assess attitudes towards sustainable development in the built environment: a pilot In: Smith, S.D and Ahiaga-Dagbui, D.D (Eds) Procs 29th Annual ARCOM Conference, 2-4 September 2013, Reading, UK, *Association of Researchers in Construction Management*, 1265-1273.
- Butcher, N., Latchem, C., Mawoyo, M. and Levey, L. (2011), Distance education for empowerment and development in Africa, *Distance Education*, Vol. 32, No. 2, pp. 149-158.
- Carrasco, R. D. F., Monferrer, M. C. and Tarditi, A. D. M. (2016), Exploring links between empowerment and community-based arts and cultural practices: perspectives from Barcelona practitioners, *International Journal of Inclusive Education*, Vol. 20, No. 3, pp. 229-245.
- Cherayi, S. and Jose, J. P. (2016), Empowerment and social inclusion of Muslim women: Towards a new conceptual model, *Journal of Rural Studies*, Vol. 45, pp. 243-251.
- Ekesionye, E. N. and Okolo, A. N. (2012), Women empowerment and participation in economic activities: Indispensable tools for self-reliance and development of Nigerian society, *Educational Research and Review*, Vol. 7, No. 1, pp. 10-18.
- Elahi, N., Nyborg, I. P. and Nawab, B. (2015), Participatory development practices: a critical analysis of gender empowerment and development in pre- and post-crises Swat, Pakistan, *Forum for Development Studies*, Vol. 42, No. 2, pp. 333-356.
- Freeman, K. and Cohen, R. T. (2001), Bridging the gap between

economic development and cultural empowerment: hbcus' challenges for the future, *Urban Education*, Vol. 36, No. 5, pp. 585-596.

- Hai, L. T., Hai, P. H., Dung, T. A. and Hens, L. (2010), Influencing factors on sustainable development: a case study in Quang Tri province, Vietnam, *Environmental Development Sustainability*, Vol. 12, pp.103-116.
- Handy, F. and Kassam, M. (2006), Practice what you preach? The role of rural NGOs in women's empowerment. *Journal of Community Practice*, Vol. 14, pp. 69-91.
- Hetling, A. and Postmus, J. (2014), Financial Literacy and Economic Empowerment of Survivors of Intimate Partner Violence: Examining the Differences Between Public Assistance Recipients and Nonrecipients, *Journal of Poverty*, Vol. 18, No. 2, pp. 130-149.
- Joseph, C. (2013), Understanding sustainable development concept in Malaysia, *Social Responsibility Journal*, Vol. 9, No. 3, pp. 441-453.
- Kagawa, F. (2007), Dissonance in students' perceptions of sustainable development and sustainability, *International Journal of Sustainability in Higher Education*, Vol. 8, No. 3, pp. 317-338.
- Khalil, D., Ramzy, O. and Mostafa, O. (2013), Perception towards sustainable development concept: Egyptian students' perspective, Sustainability Accounting, *Management and Policy Journal*, Vol. 4, Iss 3, pp. 307-327.
- Li, Z. (2016), Psychological empowerment on social media: Who are the empowered users? *Public Relations Review*, Vol. 42, pp. 49-59.
- Lias-Sanchez, R., Garcia-Morales, V. and Martin-Tapia, I. (2013), Factors affecting institutional change: a study of the adoption of Local Agenda 21 in Spain, *Journal of Organizational Change Management*, Vol. 26, No. 6, pp.1045-1070.

- Metcalfe, B. D. (2011), Women, empowerment, and development in Arab Gulf States: a critical appraisal of government, culture, and national human resource development frameworks, *Human Resource Development International*, Vol. 14, No. 2, pp. 131-148.
- Mochizuki, Y. and Fadeeva, Z. (2010), Competences for sustainable development and sustainability, *International Journal of Sustainability in Higher Education*, Vol. 11, No. 4, pp. 391-403.
- Moghadam, V. M. and Senftova, L. (2005), *Measuring women's empowerment: participation and rights in civil, political, social, economic, and cultural domains*, UNESCO, Published by Blackwell Publishing Ltd.
- Niemi, R. G. & Klingler, J. D. (2012), The Development of Political Attitudes and Behaviour Among Young Adults, *Australian Journal of Political Science*, Vol. 47, No. 1, pp. 31-54.
- O'Brien, J. L. (2010), *structural empowerment, psychological empowerment and burnout in registered staff nurses working in outpatient dialysis centers*, PH.D dissertation, Graduate School-Newark Rutgers, The State University of New Jersey, Newark, New Jersey.
- Oladipo, S.E. (2010), Psychological empowerment and development, *Edo Journal of Counselling*, Vol. 2, No. 1, pp. 119-126.
- Pereznieto, P. and Taylor, G. (2014), A review of approaches and methods to measure economic empowerment of women and girls, *Gender & Development*, Vol. 22, No. 2, pp. 233-251.
- Rao, S., Vlassoff, C. and Sarode, J. (2014), Economic Development, Women's Social and Economic Empowerment and Reproductive Health in Rural India, *Asian Population Studies*, Vol. 10, No. 1, pp. 4-22.
- Rathnamma, G. (2012), *The role of cooperatives in the empowerment of women*, working paper.

- Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2009), *Research Methods for Business Students*, p. 649.
- Schopf, J. (2014), *Strategic Library Management with the United Nations' Agenda 21*, in *Anne Woodsworth*, W. David Penniman (ed.) *Advances in Librarianship* (*Advances in Librarianship*, Volume 38), Emerald Group Publishing Limited, pp. 269-286.
- Sulaiman, A. and Muhamad, R. (2017), *Empowering the society through companies CSR agenda*, SHS Web of Conferences 34, Four A 2016, DOI: 10.1051/shsconf/20173409003.
- Sundstrom, A., Paxton, P., Wang, Y. T., and Lindberg, S. I. (2017), *Women's political empowerment: a new global index, 1900-2012*, *World Development*, in Press available at:  
<http://dx.doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.01.016>.